



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۸/۲۰

داکتر صلاح الدین سعیدی

دقت‌های ضروری، جهت حل معضلات ما

یکی از مشاغل و معضلات بنیادی ما نیمچه فهمی از بخش از مسایل مطرح در جامعه، زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی نیمچه فهمی در اعتقادی ما بوده و هست! تمرکز به همه این عدم دقت ها برای آسیب شناسی درست، ضروری ولی نشانی کردن آن، با مثال های مشخص زنده، ایجاب نوشتن تیزس دوکتورا را میطلبد که درینجا ممکن نیست لذا تلگرافی و مختصر انتخابی ذکر میکنم! بخش از موارد ممکن چنان مختصر ارایه شوند که بعضی از خواننده ها، طعن وارد کنند که معمایی بحث دارم ولی با وجود آن، جسارت کرده و بخش ازین مسایل را با تمام اخلاص ذیلاً تقدیم میدارم! بدون تمرکز به موجه بودن تلاش و مبارزه جهت، ختم حاکمیت کشور های اجنبی و غیر اسلامی بر کشور ما، باید گفت که:

نفی و رد حاکمیت و نظام مطلق العنان، تصاحب کننده کل حاکمیت به شکل انقلابی، به قوت و تشدد، به معنای سفارش به مراجعه و تقسیم مجدد کیک، با حکام نظام قبلی از همان لقب و آدرس، تقسیم غنائم بین افراد مشکل ساز، در خواست ایجاد حکومت همه شمول، حاکمیت تقسیم غنائم در غیاب ملت و مردم، معاملات استخباراتی به دسته های اجبر دیروز و امروز شان، و... نیست!

اما این عدم ضرورت مراجعه به حکام و افراد حاکمیت قبلی به معنا نفی ایشان در مبدا مانند یک شهروند نیست! این حالت دلیل برای نفی ارزشها چون، قانون اساسی، نفی ارزشها و انستیتوهای چون، پارلمان، انتخابات، تقسیم قوای سه گانه و... نیست! این مفاهیم و انستیتوت ها را باید با قوانین خوب چنان مهار و کارا کرد، که حالت مبتذل قبلی تکرار نه شود!

بلی شماری ازین ارزشها سخت بدنامه شده، که گناه این ارزشها نیست، این ارزشها را عملکرد و فهم نیمچه مبتذل و مردود ساخته است که باید نمی شد! بشریت همین ارزشها و همین را دارد و الترناتیف دیگر خوب در اختیار ندارد. و نفی و رد حاکمیت مطلق العنان، به معنای دعوت به قیام مسلحانه و برادر کشی هم نیست! باوجود اینکه اسلام دین غیر فعال و مخالف استعمال مناسب قوه زور (پسیفست) نیست و استعمال قلم و تفنگ به صورت معقول و موجه باید به دقت سبک و سنگین شوند! اولویت راه قلم، تعقل و تدبیر است و این راه برای همیشه و در جریان جنگ نیز، باز میماند!

درین میان به هیچ وجه توجیه و مشروعیت دادن به پناه بردن به دشمن تاریخی افغانستان، یعنی افتادن به دامن زیر دامن جنرالان پاکستانی و یا ایرانی و یا دیگری، هم مجاز نیست! سوء استفاده ازین حالت را در نیم قرن اخیر به گوشت و پوست خود چشیدیم و احساس کردیم! آزموده را آزمودن خطاء و حتی گناه است! در طول زندگی جوامع بشری و تجربه کشور خود ما، ثابت ساخته که هیچگاه عسکر و سرباز خارجی، و یا نوکر شدن به ایشان، خوشبختی به جامعه و مردم ما نیاورده و نه خواهد آورد!

تأکیدات مراجعه به مردم، لویه جرگه و انتخابات مبتذل و بدون آمادگی های لازم مقدماتی و بدون تذکره های معتبر تابعیت و... قابل قبول نیست!

تأکید مقدماتی برای لویه جرگه تاریخی، عنعنوی، مشورتی هم بدون تعریف مشخص جزییات آن قابل قبول نیست! تأکید به لویه جرگه منطبق به عصر و زمان امروز، برای آغاز کار و تفاهم مقدماتی و دعوت به لویه جرگه تعریف شده است، تا تصمیم نهایی را ملت مسلمان، مجاهد افغان در چوکات وثیقه ملی و یا در چوکات خطوط سرخ مشخص شده وثیقه ملی گرفته بتواند و یا بگيرند!

نفیه حاکمیت مطلق العنان و نفیه تمامیت خواهی مبرر و مجوز ارتکاب جنایات و جنایت دیگر و یا زمینه ساز خیانت و جنایت دیگر نیست!

آزادی و اراده ملت به معنای زمینه سازی به تجاوز و مجوز عملکرد در تناقض به ارزشهای ملی، اسلامی، تمامیت ارضی و ... ما نیست!

آزادی و دیموکراسی ما در چوکات اصول و ارزشهای ما، مندرج پررور و وثیقه ملی، جایگاه خواهر، مادر، پدر، صاحب خانه و مهمان تعریف روشن خود را باید داشته باشد و دارد! و این تعریف و شناخت، محدودیت آزادی، و مخالفت به آزادی به مفهوم درست تعریف شده، متمدن آن نیست و نبود، بلکه تأکید به فهم درست ازین ارزشها و آزادی است!

! در گذشته های دور و نزدیک کشور ما درمورد، افراط و تفریط های صورت گرفته که حتی افراد دست اول کشور، قرار اظهارات حتی امروز شان به عمق این قضایا، یا نیم بند فهمیده و یا اصلاً نه فهمیده اند!

اظهارات ندامت از خطاء ها و لغزش ها و در زمان قدرت، به هدر دادن فرصت های طلایی و تلاش جهت تلافی ممکن امروز، مجاز و مشروع اند، ولی تخلف، تخلف و در صورت خطاء و عدم توانایی های مسلکی و فهمی، به صورت مسلم حق بازگشت به عین مقام و حق داشتن عین پرتوکل را از چنین اشخاص سلب میمند! اقرار به تخلف و لغزش حق بازگشت مجدد را به عین مقام به یقین محدود میسازد! خطاء کار و متخلف باید این عاقبت مار را بدانند! اما عده از سیاسیون ما اصلاً به چنین پیامد از عملکرد خود نمی اندیشند و به روی خود هم نمی آورند!

فهم پیشبرد وظایف دولتی از خورد تا بزرگ از استخراج معدن و تصمیم در مورد سرمایه های ملی متعلق به ملت و نسلها بوده، و باید به دقت در مورد برخورد صورت گیرد!

کنترول شاروالی به خطاء های جدی مسلکی همراه است!

امروز کنترول فیس خیاط که از مشتری برای دوخت لباس چند حصول کرده و گرفته است، کار مأمور شاروالی نیست! چشم پوشی از تخلف بخاطر گل روی ریش سفید متخلف، چنانچه مأمور شاروالی در ثبت زنده تأکید میدارد، نشان میدهد که مأمور تطبیق قانون را با صلاحیت عام تام، مانند ملکیت خود میداند، در حالیکه وی صرف مجری قانون و نه مالک آن!

این شراهد روشن از جهالت مطلق از الفبای اقتصاد بازار آزاد قرن بیست و یکم است!

مأمور شاروالی و مراجع دفاع از مستهلکین باید به کوالیته و جانب صحت و تفس و مالیه خود تمرکز کنند، تا نرخ لباس ای که خیاط مطالبه کرده!

در جانب دیگر، تاسف بار است که وزیر اقتصاد کشور زمانیکه در جمهوریت در یک مصاحبه، اعلام میداریم، که در کنترول نرخ گاز در بازار در زمستان و یا بهار مداخله نمی تواند، بخاطر اینکه گویا اقتصاد بازار آزاد است! درین حالت این حاکمیت بود که گاز را وارد کرد و به قیمت معین به دکاندار (حلقات مافیایی) داده بود و به فروشنده توافق کرده و گفته که مثلاً ۱۰ فیصد مفاد کرده میتواند! اگر دکاندار مراعات نمی کند، دولت و حاکمیت باید نظارت کند و این اقتصاد بازار آزاد نه، بلکه بازار اقتصاد مختلط است که زمان آنرا تحمیل کرده بود! و وزارت اقتصاد باید مداخله کند!

بحث ما پراکنده نه شود!

و پس به اصل بحث،

مبارزه و تلاش امروز مردم افغانستان و پیشتازان، کلکتیف ها و کسانیکه قدرت سیاسی و نظامی و مافیایی داشتند، تخلف عمدی و غیر عمدی کردند و لغزش، درین است تا همه با هم بر یک میکانیزم و ساختار کوتاه مدت و به صورت مدون مسوده و مقدماتی به یک و یا دو سه مودل ساختار حاکمیت توافق کنند و برای نهایی سازی به ملت و انتخاب ملت تقدیم و به صورت مشروع و متداول در چوکات وثیقه ملی (قانون اساسی) تدوین و برای تحقق آن بدون ضیاع وقت تمام امکانات قابل دسترس عملی توسط حکومتی های و سایر جوانب، روی دست گرفته شود و بگیرند!

نیرو های سالم و خیر اندیش از تمام کتله ها به شمول حاکمیت طالب درین راستا میتوانند، تا دیر نه شده، ادای رسالت تاریخی کنند و به این ترتیب عبادات گذشته خود را استقامت مثبت داده و به انجام خوب سوق و همراهی کنند! اما موارد هست که در عالم اسباب آنرا با لجاجت و سرتمبگی به هدر و ضیاع مواجه ساختند و یا میسازند!

حاکمیت های مطلق العنان، یک حزبی و انحصاری، در ابتدا بس قدرتمند و قوی را انسانها در سطح جهانی (اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و اعمار آن) امتحان کرده اند! افغانستان ما هم چنین تجارب را در گذشته نیز دارد! موارد بوده که حکام و جبروت ها، زمانیکه دست شان در جبهه جنگ بالا بود، با ملت به تکیه و استکبار سخن میگفتند و یا اصلاً ایشان را از تکیه خطاب و مخاطب قرار نمی دادند، اما همینکه در جبهه جنگ دست شان لرزید، باز به ملت مراجعه میخواستند!

هست مواردیکه مراجعه به ملت ناوقت بود و نیرو های اهریمنی ثالث (در حالت ما اکثر استابلیشمنت پاکستان و ایران و یا ...)، از وضع سوء استفاده کردند و یا حال میکنند ما را از بحران به بحران دیگر کشاندند، و آن حد

اقل ایکه، به خون جگر و قربانی ملت ساخته شده بود (بند آب، پایۀ برق، مکتب، شفاخانه، مسجد و ... عالم، تحصیل کرده و ...) را نابود و سقوط دادند! همین وضع و همین حالات امروز در افغانستان تکرار سناریو و رهکار مشابه به نظر می آید!

بلی اگر از تاریخ نه آموزیم، بخش از سناریو ها باز تکرار میشوند و نیروهای شیطانی و اهریمنی جنرالیتۀ پاکستان و ... درین استقامت کار میکنند و عدۀ از هموطنان مجبور، نا امید شده ها، نوکر دالر و یا متعصب را آله دست ساخته و همین حالا و همه روزه افغانها گاهی علیه بلوچها و گاهی در کشمیر و گاهی در سوریه و لبنان و حال علیه افغانستان و منافع آن چپ در سنگر تبلیغات، چه در سنگر مبارزۀ گرم قرار داده میشوند و میگیرند!

باید به حال آمد و ازین حالت باید خارج شد! خارج شدن ازین حالت را در مقام اول حاکمیت موجود (قوت و حاکمیت) دیفکتوی طالب کرده میتواند، تا به حال بیابند و عملاً دست از استکبار بکشند! بخش موفقیت های اقتصادی و استخراج بی رویۀ معادن، که در پنج سال گذشته صورت گرفته برای افغانستان مشکلات عدید محیط زیست و تباہی همراه خواهد داشت و جوانب دیگر بد و خطر ناک برای نسل حاضر و آینده در کشور های مختلف افریقا را با حکام خاین و رشوت خور آن امتحان کرده اند. مشکلات و عدم دقت ها در نوع تجارت بر مواد خام و آنرا عوض پخته کردن به نازل ترین قیمت به فروش و تاراج برابر کردن، عدم وجود کنترول و نظارت کار، مشکلات عدیدی به وجود آورده و خواهد آورد. مثال ساده: عوض فروش چارتراش باید آنرا چوکی و فرنیچر ساخت و فروخت! مواد خام معادن را حد اقل نیمه پخته کرد و فروخت و دهها مورد دیگر... ترس و تشویش از طرح است که شنیدن میشود معادن را در کل، به اساس تخمین، در کل در معدن به مرجع خارجی فروخت و حاکمیت پول بدست خواهد آورد! مطمئناً که قیمت بس نازل و به قیمت پوست کچالو خواهد بود!

دست آوردهای معین وجود دارد، اما نسبی اند! حاکمیت موجود در افغانستان مشروعیت سیاسی داخلی و خارجی ندارد و این مسلم که افغانستان به تغیر حالت موجود ضرورت دارد. برای بدست آوردن آن باید در ابعاد مختلف کار عملی و ملموس صورت گیرد و این کار قبل از همه به حاکمیت مطلق العنان، غیر مشروع متداول، بر میگردد! هرچه زودتر به خود ستایی و منطق بی منطق متوجه شوند، به همان اندازه مانع عواقب بدی دنیوی و اخروی برای خود، جامعه، افغانستان و به نحوی جهان خواهند شد!

هرچه زودتر متوجه خلا ها، نواقص و خود ستایی های نا معقول خویش شوند، به همان اندازه، فرصتهای تیکه جدیدالری جنرالان پاکستانی را در ریختاندن خون انسان بی گناه در افغانستان، مانع خواهند شد! وها

اینکه با دشمن تاریخی، دشمن دیروز، امروز و فردای افغانستان یعنی استابلشمنت پاکستان در ظاهر با حاکمیت طالبان در افغانستان چه میگذرد، یک بحث ولی در عمل در موارد زیاد بنیادی، برنامه فکستانی و دیگر دشمنان تاریخی افغانستان عملاً تحقق می یابد!

با تمویل افراد و کتله های ضد منافع و مصالح افغانستان، با شهرت دادن و چاپ کتب و جعلیات افراد افغان دشمن در منطقه و جهان و پروفیسوران جعلی و لقب های اکادمیک از به اصطلاح میدیای دست داشته به هویت افغان و افغانستان، به تمامیت ارضی و به ضد وحدت ملی افغانستان به صورت وسیع، سیستماتیک و برنامه ریزی شده کار کرده و هویت ملی را مورد سوال قرار داده اند، بیرق ملی، وثیقۀ ملی (قانون اساسی) و سایر قوانین مشروع متداول را معلق و یا ملغی قرار داده و شماری از فرمان های غیر مشروع آنقدر ابتدایی، عصر خفته و ناقص صادر و روی دست گرفته شده که این فرامین؟! عوض آوردن حاکمیت قانون خود معضل اند! (العیاذ بالله اگر منظور من مطالبۀ قوانین سیکولار باشد، نه اسلام دین سیکولار نیست!)

عملاً کسب علوم برای تمام اولاد وطن در سطح رقت بار و نازل قرار دارد و نیم از اولاد وطن از کسب علم و معرفت محروم اند و در روز روشن دارند بیشتر از ۵ سال از امر ثانی در قسمت تعلیم دختران و امکانات کار برای زنان و دختران، بحث دارند و صریحاً در قسمت امر ثانی این موضوع، دروغ میگویند! این محرومیت جفا و محرومیت نیم جامعه از کسب علم، منع کار و زندگی نورمال، اولاد وطن را بر علاوۀ دیگر، به فقر و تنگدستی جانکاه خانواده ها، مواجه ساخته و عملاً حدیث ویا کلام حق (کاد الفقر ان یكون کفراً - زود هست فقر به کفر بکشد)، در ابعاد مختلف آن تحقق یافته و می یابد!

اختناق جانکاه، مهاجرت ها و عواقب آن یک بعد دیگر خطرناک، تراژیدی و بحران جانکاه امروز ماست که ریشه در سیاستهای حاکمیت های دور و نزدیک و حال در سیاستهای حاکمیت موجود دارد! این وضع عوض حل، تعمیق بیشتر می یابد!

اعلانات تلویزیونی و میدیایی، تشکیل کمیسیون بازگشت هموطنان به افغانستان، عملاً خود فریبی و دعوت به تسلیمی است! برای ساده سازی فهمی، دعوتهای حاکمیت در مورد صلح، مذاکره و مفاهمه، مانند، دعوتهای امریکا و متحدین برای حاکمیت ایران است:

جانب امریکایی به ایران خطاب و نشست مذاکراتی میکند و میگوید: بیا مذاکره کنیم! اما در عمل به معنای: بیا خود، بی قید و شرط تسلیم شوید و همه چیز تانرا در اختیار ما قرار دهید، ورنه تمدن تان و شما را با زور نابود میکنیم!...

چنین تفاهم، نه تفاهم است و نه مذاکره و نه صلح! دهها مثال مشخص دیگر وجود دارد که دارد بر علاوه اصرار تاریخی، به افغانستان و مردم آن، در تحقق اهداف دشمن کار میشود!

لذا بر ماست حقایق را به صورت عینی درک کرد، مقام و جایگاه ملت افغان، شهروند را در دولرداری امروز تعریف درست کرد!

اصل حاکمیت قوانین مشروع، مدون و مدرن، متداول، در چوکات ارزشهای اصیل اسلامی، در مطابقت به ارزشهای عام قبول شده، جایگزین و قائم مقام دیگر خوب ندارند!

چنانچه گفته آمدیم، جزیل به ذکر است که در قرن حاضر بشریت همین دیموکراسی لنگ و لاش، یک شهروند و یک رأی، و برنامه محوری در حاکمیت و دولرداری در چوکات آن گزینه خوب دیگر ندارد!

اکثریت نواقص و کمبودی های چنین حاکمیت و ساختار را با قوانین خوب، کار پیگیر، حاکمیت مشروع و به این مشروعیت، قوت مشروعیت، منبعث از اراده مردم (نه سفارتخانه های خارجی) و کار همه جانبه کمبودی ها را، به حد اقل رسانیده میوانیم!

این یک پروسه حرکت سریع السیر بر سرک قیر و هموار نیست و از خود مشکلات خود را در سطوح مختلف جامعه داشت و دارند که با شهادت، فهم لازم و عملی مسلکی، همراه با مشروعیت داخلی و به تأسی از آن معرفت جهانی نائل آمد!

لذا ظاهر امر، روابط با پاکستان چه نوع باید، اما در عکس برنامه های پاکستانی تحقق می یابند! این و دهها مورد است که در اثر نیمچه فهمی مسلکی و سیاسی از سیر حوادث به عقب ماند و با خود شیفتگی در صفحه کاملاً متفاوت این داستان دنباله دار تراژیدی ملت افغان پایان ندارد!

باید با تمام دقت و بدون تأکید باید دست به کار شد و خود را عملاً برای تطبیق این فرصت از دست خواهد رفت! لذا بدون تأخیر باید دست به کار شد!

فهم خود را از مسایل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی دینی بهتر ساخت و عملاً دست به کار شد! افغانها در سطح جهان باید یک کتله برزگ متحد در خدمت مردم قرار گیرند و با قوت و متانت کار کرد!

پایان بی پایان

داکتر صلاح الدین سعیدی